

The Prophetic Model of Political Education (PBUH) in the Meccan Verses of the Holy Quran: An Analysis of Epistemic, Affective, and Behavioral Tools Using a Gradual Revelation Interpretation Approach

Hamid Nikrou¹, Reza Eisania²

¹ Master's degree, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding author).
h.nikrou1363@gmail.com

² Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. r.eisania@isca.ac.ir

Abstract

The present study aims to analyze and identify the political education tools employed by the Holy Prophet (PBUH) in the Meccan chapters (surahs), relying on a gradual revelation (*tanzīlī*) interpretation approach. The research seeks to demonstrate how the Holy Prophet (PBUH), during the period lacking an official state or an established political structure in Mecca, gradually organized the political education process of his audience through the revealed verses and by utilizing various epistemic, affective, and behavioral tools. The main question is: What were the tools of Prophetic political education, and how were they realized within the context of the gradual revelation of the Quran? The research hypothesis posits that the gradual revelation of the Holy Quran provided an educational framework through which the Holy Prophet (PBUH), relying on faith, awareness, and responsible action, established a new political discourse based on monotheism (*tawhīd*), justice, and resistance against pre-Islamic domination. The theoretical framework of the research is based on a triad of epistemic (creating political insight and belief), affective (arousing spiritual fervor and collective solidarity), and behavioral (practicing social action and civil resistance) components. The findings show that through continuous faith-based education, the Holy Prophet (PBUH) laid the groundwork for the formation of an independent, responsible, and justice-oriented political identity among the early believers—an identity that gave rise to the foundation of the "Ummah" (community) and a new social order in opposition to the pre-Islamic tribal system. The final conclusion is that the Prophetic model, prior to any external political transformation, emphasizes a cultural and internal revolution within the individual, demonstrating that authentic power begins with the reformation of hearts, thoughts, and behaviors. The novelty of this research lies in

Cite this article: Nikrou, H. & Eisania, R. (2025). The Prophetic Model of Political Education (PBUH) in the Meccan Verses of the Holy Quran: An Analysis of Epistemic, Affective, and Behavioral Tools Using a Gradual Revelation Interpretation Approach. *Political science*, 28(4), p. 153-172. <https://doi.org/10.22081/psq.2026.73078.3056>

Received: 2025-04-19

Revised: 2025-06-02

Accepted: 2025-06-27

Published online: 2025-12-26

Type of article: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



combining a gradual revelation (tanzīlī)-interpretive approach with a sociological analysis of the Meccan verses and explaining the concepts of political education within the framework of a monotheistic worldview.

Keywords: Political education, Meccan surahs, Holy Prophet (PBUH), educational tools, community-building (ummah-building).

الگوی تربیت سیاسی نبوی در آیات مکی قرآن کریم: واکاوی ابزارهای معرفتی، عاطفی و رفتاری با رویکرد تفسیر تنزیلی

حمید نیک‌رو^۱، رضا عیسی‌نیا^۲

^۱ کاشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). h.nikrou1363@gmail.com

^۲ استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. r.eisania@isca.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و بازشناسی ابزارهای تربیت سیاسی پیامبر اکرم (ص) در سوره‌های مکی و با تکیه بر رویکرد تفسیر تنزیلی انجام گرفته است. پژوهش می‌کوشد نشان دهد که پیامبر اکرم (ص) در دوره نبود دولت رسمی و ساختار سیاسی مدون در مکه، چگونه از طریق آیات نازل‌شده و با بهره‌گیری از ابزارهای متنوع معرفتی، عاطفی و رفتاری، فرایند تربیت سیاسی مخاطبان خود را به تدریج سامان داده است. پرسش اصلی این است که ابزارهای تربیت سیاسی نبوی چه بوده و چگونه در بستر نزول مرحله‌ای قرآن تحقق یافته‌اند؟ فرضیه پژوهش آن است که سیر نزول قرآن کریم، بستر تربیتی‌ای را فراهم ساخته است که در آن، پیامبر اکرم (ص) با تکیه بر ایمان، آگاهی و اقدام مسئولانه، گفتمان سیاسی نوینی مبتنی بر توحید، عدالت و مقاومت در برابر سلطه جاهلی بنیان نهاد. چارچوب نظری پژوهش بر سه‌گانه معرفتی (ایجاد بینش و باور سیاسی)، عاطفی (برانگیختن شور ایمانی و همبستگی جمعی) و رفتاری (تمرین کنش اجتماعی و مقاومت مدنی) استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) از رهگذر تربیت ایمانی پیوسته، زمینه شکل‌گیری هویت سیاسی مستقل، مسئولیت‌پذیر و عدالت‌محور در میان مؤمنان اولیه را فراهم کرد؛ هویتی که بنیان «امت» و نظم اجتماعی نورا در برابر نظام قبیله‌ای جاهلی پدید آورد. نتیجه نهایی اینکه الگوی نبوی، پیش از هر تحوّل سیاسی بیرونی، بر انقلاب فرهنگی و درونی انسان تأکید دارد و نشان می‌دهد که قدرت اصیل از اصلاح قلب‌ها، اندیشه‌ها و رفتارها آغاز می‌شود. نوآوری پژوهش در ترکیب رویکرد تفسیری-تنزیلی با تحلیل جامعه‌شناختی آیات مکی و تبیین مفاهیم تربیت سیاسی در چارچوب جهان‌بینی توحیدی نهفته است.

کلیدواژه‌ها: تربیت سیاسی، سوره‌های مکی، پیامبر اکرم (ص)، ابزار تربیتی و امت‌سازی.

استاد به این مقاله: نیک‌رو، حمید؛ عیسی‌نیا، رضا (۱۴۰۴). الگوی تربیت سیاسی نبوی در آیات مکی قرآن کریم: واکاوی ابزارهای معرفتی، عاطفی و رفتاری

با رویکرد تفسیر تنزیلی. علوم سیاسی، ۲۸(۴)، ص ۱۵۲-۱۷۲. <https://doi.org/10.22081/psq.2026.73078.3056>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

©/۱۴۰۴ نویسنندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)



۱. مقدمه

تربیت سیاسی همواره به عنوان یکی از ستون‌های اصلی در پی‌ریزی جوامع مطلوب و پرورش شهروندان آگاه، در کانون توجه اندیشمندان علوم سیاسی قرار داشته است؛ با این حال نگاه سنتی که سیاست را صرفاً در چارچوب قدرت رسمی و ساختارهای حکومتی تحلیل می‌کند، بخشی از حقیقت سیاست را نادیده می‌گیرد؛ زیرا سیاست تنها در عرصه حکومت و نهادهای رسمی شکل نمی‌گیرد، بلکه در لایه‌های عمیق‌تری چون آگاهی‌بخشی، شکل‌دهی به نگرش‌ها و تربیت کنشگران اجتماعی نیز جریان دارد. در این چارچوب، سیره پیامبر اکرم (ص) در دوران مکه به روشنی نشان می‌دهد که می‌توان بدون تکیه بر ابزارهای رسمی حاکمیت، فرایندی عمیق و ماندگار از تربیت سیاسی را آغاز و نهادینه کرد. در واقع بنیان‌های سیاسی جامعه اسلامی، پیش از آنکه در بستر دولت و حکومت استقرار یابد، در همان روزهای پرفشار مکه و از طریق اصلاح زیربناهای معرفتی و رفتاری پی‌ریزی شد (جعفریان، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۹).

در این پژوهش، مفهوم «تربیت سیاسی» از معنای محدود سیاست‌ورزی حزبی و حکومتی فراتر رفته، به سوی بُعد اجتماعی و تمدنی تربیت ایمانی معطوف شده است؛ یعنی همان ساحتی که در آن، پیامبر اکرم (ص) با بازسازی ساختارهای ذهنی و ارزشی، انسان‌هایی مقاوم، عدالت‌جو و مسئولیت‌پذیر پدید آورد. ما در اینجا میان تحول اعتقادی و تحول اجتماعی تفکیکی قابل نیستیم؛ زیرا از منظر قرآن، تربیت ایمانی ذاتاً با کنش اجتماعی و مقاومت در برابر سلطه جاهلی گره خورده است.

مسئله محوری این پژوهش، واکاوی ابزارهایی است که پیامبر اکرم (ص) برای تربیت پیروان خود در فضای بسته و تعصب‌آمیز مکه به کار گرفت؛ ابزارهایی که فراتر از تبلیغ ساده، کارکردهای تربیتی-سیاسی عمیقی در ایجاد بینش توحیدی و کنش جمعی داشتند. بر خلاف پژوهش‌های پیشین که غالباً به تبیین مفاهیم و اهداف بسنده کرده‌اند، این نوشتار با اتکا به رویکرد «تفسیر تنزیلی» و نگاه مرحله‌ای به نزول آیات، به دنبال شناسایی ابزارهای واقعی در بافت اجتماعی مکه است. چارچوب نظری ما بر سه‌گانه «معرفتی»، «عاطفی» و «رفتاری» استوار است تا بتوانیم رابطه میان اهداف نبوی و بافت تاریخی دعوت را به‌دقت ترسیم کنیم.

پرسش اصلی این است که پیامبر (ص) در دوران نبود قدرت رسمی، چگونه فرایند تربیت سیاسی را سامان داد؟

فرضیه ما بر این است که ایشان با بهره‌گیری از ابزارهای معرفتی، عاطفی و رفتاری - در هماهنگی با مراحل تدریجی نزول قرآن - موفق شدند گفتمان سیاسی نوینی را حول محور توحید، عدالت و مقاومت پی‌ریزی کنند. تربیت سیاسی به عنوان یکی از ارکان اساسی در شکل‌گیری جامعه مطلوب و شهروندان آگاه، همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران در حوزه علوم سیاسی است. پیامبر اکرم (ص) در دوران مکه، بدون اتکا به قدرت رسمی، فرایندی عمیق از تربیت سیاسی را آغاز کرد که در آن ابزارهای

متنوعی را به دنبال تغییر نگرش،^۱ گرایش^۲ و کنش^۳ جامعه جاهلی به کار گرفت. بنابراین تربیت سیاسی شکل دهنده نگرش، گرایش‌ها و رفتارهای افراد در راستای پذیرش و عمل به ارزش‌های سیاسی مبتنی بر توحید، عدالت^۴ و مقاومت در برابر نظام‌های ظالمانه تعریف می‌شود. این مفهوم بر خلاف تربیت اجتماعی^۵ که بر تعاملات کلی اجتماعی تمرکز دارد، بر ساخت ذهنیت و کنش سیاسی در بستر ارزش‌های دینی تأکید می‌کند. تربیت سیاسی نبوی (ص) در دوره مکی، با هدف ایجاد هویت سیاسی مبتنی بر ایمان و آماده‌سازی افراد برای مشارکت در امت‌سازی، بدون اتکا به قدرت رسمی طراحی شده است. چارچوب مفهومی این پژوهش بر سه‌گانه «معرفتی» (ابزارهای تمرین‌دهنده کنش سیاسی) استوار است. این (ابزارهای برانگیزاننده شور ایمانی) و «رفتاری» (ابزارهای تمرین‌دهنده کنش سیاسی) استوار است. این دسته‌بندی نه تنها به شفاف‌سازی ابزارهای مورد نظر کمک می‌کند، بلکه امکان درک عمیق‌تر پیوند میان اهداف نبوی، ویژگی‌های مخاطبان و بافت تاریخی دعوت اسلامی را فراهم می‌آورد. پیامبر اکرم (ص) با بهره‌گیری نظام‌مند از این ابزارها، زیربنای تربیت جامعه‌ای مؤمن و منسجم را بنا نهاد که از نظر ظرفیت، آماده‌گذار به مرحله «امت‌سازی» بود. ضرورت بازخوانی این الگو در عصر حاضر نیز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ به‌ویژه در شرایطی که جوامع اسلامی با بحران‌های ساختاری و پدیده «تهی‌شدن سیاست از اخلاق و معنا» مواجه‌اند. بر این اساس مسئله اصلی این پژوهش را می‌توان در قالب پرسش زیر صورت‌بندی کرد: «پیامبر اکرم (ص) در دوران نبود ساختارهای رسمی حاکمیت در مکه، از چه ابزارهایی برای ساماندهی فرایند تربیت سیاسی مخاطبان خود بهره جست و این ابزارها چگونه در بستر مراحل تدریجی نزول آیات تحقق یافتند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که «پیامبر اکرم (ص) با به‌کارگیری ابزارهای معرفتی، عاطفی و رفتاری - در تناسب با مراحل تدریجی نزول وحی - توانست گفتمان سیاسی جدید و نوینی را با محوریت ارزش‌های توحیدی، عدالت و مقاومت، در دل جامعه مکه پی‌ریزی کند».

۲. پیشینه پژوهش

اگرچه آثاری در حوزه تربیت سیاسی در قرآن کریم نگاشته شده است، کمتر پژوهشی به طور خاص به بررسی ابزارهای تربیت سیاسی در سوره‌های مکی با رویکرد تنزیلی پرداخته است. بررسی پیشینه پژوهش در حوزه تربیت سیاسی در قرآن نشان می‌دهد که این موضوع به تدریج در ادبیات اندیشه سیاسی

1. Attitude
2. Tendency
3. Action
4. Justice
5. Social Education

اسلامی گسترش یافته است؛ با این حال بیشتر پژوهش‌های موجود به تحلیل مفاهیم کلی تربیت سیاسی یا نقش آن در دولت‌سازی اسلامی اختصاص یافته‌اند و کمتر به ابزارها و روش‌های تربیتی پیامبر اکرم(ص) در فرایند تربیت سیاسی در مرحله پیشادولتی توجه کرده‌اند. برای نمونه مهدی خزاعی گسک (۱۴۰۱) در پژوهش «تربیت زمامداران در قرآن» و معصومه خاوری (۱۴۰۴) در اثر «تربیت اجتماعی در قرآن» هر یک به ابعادی از تربیت در قرآن پرداخته‌اند، اما بحث آنان ناظر به شناسایی و تحلیل ابزارهای تربیت سیاسی در سوره‌های مکی با رویکرد تنزیلی نیست؛ همچنین آثاری مانند کتاب تربیت سیاسی در اسلام نوشته محمد رادمنش (۱۳۶۲)، اگرچه در تبیین مفاهیم کلان تربیت سیاسی سودمند بوده‌اند، به تحلیل ابزارهای تربیتی پیامبر اکرم(ص) در بستر تاریخی خاص، به‌ویژه در دوره مکی توجه کافی نداشته‌اند؛ از این رو خلأ پژوهشی در زمینه بررسی ابزارهای تربیت سیاسی در سوره‌های مکی با رویکرد تنزیلی همچنان باقی است.

۳. چارچوب نظری

این پژوهش بر پایه دو اصل بنا شده است: نخست، تفسیر تنزیلی به عنوان روشی تحلیلی در چارچوب رویکرد قرآنی برای فهم تدریجی و تاریخی آیات قرآن؛ دوم، تحلیل تربیت سیاسی نبوی بر اساس سه بُعد معرفتی (بینشی)، عاطفی (گرایشی) و رفتاری (کنشی). در رویکرد تنزیلی، قرآن نه بر اساس ترتیب رسمی مصحف، بلکه در پرتو زمان و بستر نزول آیات تحلیل می‌شود. این روش به ما امکان می‌دهد هر آیه را در متن چالش‌های واقعی و تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه مکی بازخوانی کنیم و تربیت سیاسی را نه یک امر ایستا، بلکه فرایندی پویا و مرحله‌ای ببینیم؛ بر این اساس ابزارهای تربیت سیاسی پیامبر اکرم(ص) در دوره مکی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) **معرفتی (بینشی):** آماده‌سازی ذهن مخاطب برای پذیرش توحید و نقد مشروعیت ساختارهای قدرت جاهلی؛

(۲) **عاطفی (گرایشی):** برانگیختن شور ایمانی، احساس عدالت‌خواهی و تعلق به جمع مؤمنان؛

(۳) **رفتاری (کنشی):** تبدیل ایمان و عاطفه به مشارکت سیاسی، مرزبندی اجتماعی و اقدام هدفمند.

برای تحلیل عمیق‌تر، این پژوهش مفاهیم علوم سیاسی معاصر را نیز در چارچوب قرآنی بکار می‌گیرد: قدرت نرم^۱ (نای، ۲۰۰۴)؛ پیامبر در وضعیت نبود قدرت سخت، با جذابیت ارزش‌ها، بلاغت قرآنی و مشروعیت معنوی، ترجیحات جامعه مکی را تغییر داد. این ابزارها کارکردی مشابه تولید قدرت نرم داشتند.

1. Soft Power
2. Joseph Nye

هژمونی گفتمانی^۱ (لاکلا^۲ و موفه،^۳ ۱۹۸۵): دعوت مکی را می‌توان به منزله تلاش برای براندازی گفتمان مسلط جاهلی (شرک، اشرافیت قبیله‌ای و نَسب‌گرایی) و جایگزینی آن با گفتمان توحیدی دانست. آیات معرفتی و احتجاج عقلی، ابزار شکل‌دهی به این ضدگفتمان بودند.

نظریه جنبش‌های اجتماعی^۴ (تیلی،^۵ ۱۷۶۸-۲۰۰۴): دعوت نبوی (ص) در مکه ویژگی‌های یک جنبش اجتماعی را دارا بود؛ ۱. بسیج منابع عاطفی (ترس/امید)؛ ۲. ایجاد شبکه‌های حمایتی (دارالارقم)، و ۳. مرزبندی با قدرت مسلط.

ترکیب تفسیر تنزیلی با این مفاهیم سیاسی، امکان بازخوانی نقش پیامبر اکرم (ص) به مثابه رهبر یک جنبش اجتماعی - سیاسی را فراهم می‌کند؛ رهبری که نه با زور، بلکه با اقناع، تربیت و سازمان‌دهی، هویت جدیدی را شکل داد؛ از این‌رو این چارچوب نظری ترکیبی به ما اجازه می‌دهد تا تربیت سیاسی نبوی را نه فقط به عنوان یک پدیده تاریخی - دینی، بلکه به عنوان یک الگوی سازمان‌یافته و کارآمد از کنش‌گری سیاسی و تحوّل اجتماعی تحلیل کنیم.

۴. روش‌شناسی

در این پژوهش، از رویکرد تفسیر تنزیلی برای تحلیل آیات استفاده شده است؛ رویکردی که در آن آیات نه تنها از منظر محتوایی، بلکه بر اساس نقش تاریخی و کارکرد اجتماعی‌شان در فرایند تحوّل مخاطبان واکاوی می‌شوند؛ بر این اساس سیاسی‌بودن آیات در این تحقیق، محصول تحمیل مدلهای مفهومی بیرونی نیست، بلکه پیامد مستقیم روش تنزیلی است؛ روشی که نشان می‌دهد هر تحوّل معرفتی در مکه، لزوماً با پیامدهای رفتاری و اجتماعی در پیوند است و در شکل‌دهی به کنش جمعی مؤمنان و مقاومت در برابر ساختارهای قدرت جاهلی نقش ایفا می‌کند؛ از این‌رو تحلیل آیات با عنوان «تربیت سیاسی»، ناظر به دستاوردهای اجتماعی - تمدنی تربیت نبوی است و نباید با «فروکاستن دین به سیاست» خلط شود.

فرایند پژوهش در سه گام اصلی صورت پذیرفت: نخست، با اتکا به رویکرد تفسیر تنزیلی، سوره‌های مکی بر اساس ترتیب نزول و متناسب با شرایط اجتماعی - سیاسی عصر بعثت طبقه‌بندی شدند. در گام دوم، آیات استخراج‌شده از این سوره‌ها از منظر «محتوای تربیت سیاسی» بررسی و در سه ساحت اصلی ابزارهای معرفتی (بینشی)، عاطفی (گرایشی) و رفتاری (کنشی) دسته‌بندی گردیدند. آن‌گاه در مرحله تحلیل هر یک از این دسته‌ها، از روش تحلیل مضمون^۶ استفاده شد.

1. Hegemony of discourse

2. Ernesto Laclau

3. Chantal Mouffe

4. Social Movement Theory

5. Charles Tilley

6. Content Analysis

به منظور دقت بیشتر، هر ابزار تربیتی با توجه به بافت اجتماعی آیه و مخاطبان نخستین (جامعه مکه) تحلیل شد؛ از این رو تحلیل مخاطب‌شناسی، امکان بازشناسی گروه‌های اجتماعی هدف را فراهم آورد؛ به گونه‌ای که مشخص گردید برای نمونه، «آیات وعده و وعید (به عنوان ابزار عاطفی)، بیشترین اثرگذاری را بر طبقات مستضعف داشت که از نبود امید به تغییر در نظام حاکم (سلطه قریش) رنج می‌بردند، در حالی که آیات احتجاج عقلی (به عنوان ابزار معرفتی)، بیشتر نخبگان فکری را با چالش‌های بنیادین مواجه می‌کردند.

افزون بر تحلیل آیات، جهت تقویت استدلال‌ها و غنای علمی پژوهش، از مفاهیم بنیادین علوم سیاسی اسلامی در حوزه‌های قدرت، تربیت و امت‌سازی استفاده گردید. این رویکرد، امکان تحلیل تدریجی و بافتار محور ابزارهای تربیت سیاسی را در چارچوبی تطبیقی و در تعامل با نظریه‌های تربیتی دینی فراهم آورده است. در ادامه، مجموعه‌ای از این ابزارهای هماهنگ (معرفتی، عاطفی و رفتاری) که پیامبر اکرم (ص) در آیات مکی به کار گرفته‌اند، به تفکیک تحلیل خواهند شد.

۵. ساختار سیاسی- اقتصادی مکه در آستانه بعثت

برای درک عمق و کارآمدی ابزارهای تربیت سیاسی پیامبر اکرم (ص)، شناخت ساختار قدرتی که این ابزارها در تقابل با آن شکل گرفتند، ضروری است. مکه در آن زمان صرفاً مجموعه‌ای از قبایل پراکنده نبود، بلکه یک دولت شهر تجاری^۱ قدرتمند بود که توسط یک الیگارش^۲ (اشرافیت) از بزرگان قریش که از آن با عنوان «ملاً» یاد می‌شود، اداره می‌شد. ساختار قدرت در این شهر بر سه پایه استوار بود:

۱) **اقتصاد مبتنی بر تجارت و دین:** مشروعیت و ثروت قریش به طور مستقیم با جایگاه کعبه و مراسم حج مرتبط با پرسش بت‌ها گره خورده بود؛ بنابراین هرگونه دعوت به توحید، به طور مستقیم منافع اقتصادی آنان را تهدید می‌کرد و یک اقدام براندازانه تلقی می‌شد (جعفریان، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۴).

قریش که ریاست شهر مکه را از خُزاعه گرفته و به خود اختصاص داده بودند، اندک اندک در کار بازرگانی افتادند. آنان محصول جنوب و شرق عربستان را به بندرهای مدیترانه می‌بردند و از بازارهای دمشق «گندم، زیتون، ابریشم و دیگر کالاها را به حجاز می‌آوردند.

کاروان قریش در سال دو سفر تجاری به ابتکار هاشم جد رسول خدا (ص) داشتند. این دو سفر تجاری که در قرآن به آن اشاره شده (قریش، ۱-۴)، در زمستان به یمن و در تابستان به شام بود (شهیدی، ۱۳۷۸، صص. ۳۴-۳۵).

۲) **سیاست مبتنی بر اشرافیت و قبیله‌گرایی:** قدرت در انحصار خاندان‌های ثروتمند قریش بود و

1. Mercantile City-State

2. Oligarchy

مناسبات اجتماعی بر اساس سلسله مراتب قبیله‌ای و خونی تعریف می‌شد. گفتمان نبوی با تأکید بر برابری انسان‌ها ذیل مفهوم «تقوا»، این ساختار تبعیض‌آمیز را به چالش کشید. قانون شهر مکه پیمان‌هایی بود که قبیله‌ها با یکدیگر بسته بودند. اگر کسی با قبیله‌ای پیوندی نداشت، هیچ قانونی در مقابل ستمکار از او حمایت نمی‌کرد (همان، ص. ۳۲).

۳) فرهنگ مبتنی بر سنت‌گرایی و عصیبت: مشروعیت نظام جاهلی بر «سنت نیاکان» و «تعصبات قبیله‌ای» استوار بود. ابزارهای معرفتی قرآن به طور مستقیم این بنیاد فکری را هدف قرار داد و مخاطب را به تفکر و خروج از اطاعت کورکورانه فرا خواند (سید قطب، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۰۵). در چنین بستری، ابزارهای تربیتی پیامبر اکرم (ص) نه فقط توصیه‌هایی اخلاقی، بلکه ابزارهایی دقیق برای شالوده‌شکنی از یک نظام سیاسی - اقتصادی مستقر بود.

۶. تحلیل ابزارهای تربیت سیاسی پیامبر اکرم (ص)

در این بخش، ابزارهای تربیت سیاسی پیامبر اکرم (ص) در سه سطح معرفتی، عاطفی و رفتاری بررسی می‌شود که نخستین و بنیادی‌ترین آنها، دگرگونی بینش و شالوده‌شکنی گفتمان جاهلی است.

الف) ابزارهای معرفتی (بینشی): شالوده‌شکنی از گفتمان جاهلی

نخستین و بنیادین‌ترین گام در تربیت سیاسی نبوی، بازسازی شناختی و تغییر جهان‌بینی مخاطب بود. ابزارهای معرفتی، سلاح اصلی پیامبر برای به‌چالش کشیدن گفتمان هرژمونیک^۱ جاهلیت و خلع مشروعیت^۲ از ساختار قدرت فریش بودند. این ابزارها ذهنیت مخاطب را از اطاعت کورکورانه قبیله‌ای و پذیرش سلطه جاهلی، به سوی درک حاکمیت مطلق الهی و نقد قدرت مشرکانه هدایت می‌کردند.

۱) توحید به مثابه یک ضدگفتمان سیاسی

محوری‌ترین ابزار معرفتی، ترویج توحید بود که در بخش عمده‌ای از سوره‌های مکی مانند اخلاص (۴-۱)، اعلیٰ (۳-۱)، نجم (۱۹-۲۲) و بروج (۱۲-۱۵) تبلور یافته است. توحید فراتر از یک اصل اعتقادی، یک مانیفست سیاسی^۳ برای برهم‌زدن نظم موجود بود.

● **نفی مراکز متعدد قدرت:** آیه کوتاه و کوبنده «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص: ۱)، به معنای طرد کامل نظام چندگانه قدرت در مکه بود. در جامعه‌ای که هر قبیله و خاندانی مشروعیت خود را از یک بت یا خدای خاص می‌گرفت، اعلام خدای واحد به معنای فروپاشی تمامی این مراکز قدرت و مشروعیت بود.

● **ایجاد امت فراتر از قبیله:** پیامبر اکرم (ص) با محور قرار دادن توحید، اولین گام را برای بازتعریف جامعه برداشت. توحید با زدودن مرزبندی‌های قبیله‌ای و نسبی، پیوندهای جدیدی بر اساس ایمان ایجاد

1. Hegemony

2. Legitimacy

3. Political Manifesto

کرد. این امر باعث شد تا افرادی از قبایل و طبقات مختلف (غلام، آزاد، زن و مرد) در کنار یکدیگر قرار گیرند و نظمی را که بر پایه خون و نژاد استوار بود، متزلزل کنند.

● **بازتعریف مشروعیت حاکمیت:** قرآن مکی با طرح پرسش‌های بنیادین، مشروعیت حاکمان زمینی را به چالش کشید؛ برای مثال آیه «أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ» (نحل، ۱۷) یا آیه «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرِزُقُكُمْ...» (فاطر، ۳)، این پیام را به ذهن مخاطب القا می‌کرد که اگر آفرینش و روزی دادن در انحصار خداست، پس حاکمیت و قانون‌گذاری نیز باید از او نشئت گیرد. این استدلال، هرگونه ادعای حاکمیت از سوی اشراف قریش را که بر ثروت و نسب مبتنی بود، بی‌اعتبار می‌ساخت.

۲) قصص انبیاء به مثابه الگوسازی برای مقاومت و ساخت هویت جمعی

یکی از برجسته‌ترین راهبردهای پیامبر استفاده از داستان‌های انبیای پیشین بود که در سوره‌هایی مانند شعراء، اعراف، طه و هود آمده است. این قصه‌ها تاریخ را به یک ابزار عقلانیت سیاسی تبدیل کردند.

● **ارائه الگوی مبارزه:** داستان تقابل حضرت موسی (ع) با فرعون در سوره اعراف، یک نمونه کامل از رویارویی «دعوت الهی» با «اقتدار طاغوتی» بود. فرعون که خود را «رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» (نازعات، ۲۴) می‌خواند، نماد حاکم مستکبری بود که مشروعیتش نه الهی، بلکه موروثی و مبتنی بر زور بود. این روایت به مخاطب مکی که با سلطه ابوسفیان‌ها مواجه بود، می‌آموخت که مشروعیت قریش نیز امری قابل چالش و مخدوش است.

● **تثبیت سنت تاریخی مقاومت:** ساختار تکرارشونده در سوره شعراء که داستان پیامبران متعدد را با الگویی یکسان (دعوت، انکار اشراف، عذاب مستکبران) روایت می‌کرد، این پیام را به مسلمانان اولیه منتقل کرد که مبارزه و مقاومت شما یک بدعت نیست، بلکه سنتی تاریخی و مشروع است. این امر به آنها ثبات قدم و به مقاومتشان معنایی عمیق‌تر می‌بخشید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، صص ۸۱-۹۰).

۳) احتجاج‌های عقلی برای شکستن «عقل سلیم» جاهلی

قرآن مکی پیوسته با طرح پرسش‌های منطقی و فلسفی، بنیان‌های فکری جامعه جاهلی را که بر تقلید کورکورانه استوار بود، به لرزه در می‌آورد.

● **به چالش کشیدن بنیان‌های هستی‌شناختی:** آیاتی مانند «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ» (طور، ۳۵)، با استفاده از ساختار بلاغی، ذهن مخاطب را با پرسش‌های بنیادین درباره وجود خود و جهان مواجه می‌کرد. در جامعه‌ای که باورها بیشتر موروثی و بدون پشتوانه عقلی بودند، این پرسش‌ها مانند یک ضربه برای بیدارسازی عمل می‌کردند و اولین گام در «خلع مشروعیت» از قدرت‌های ظاهری بودند.

این آیات با هدف شکستن اطاعت کورکورانه از «سنت نیاکان» که «عقل سلیم» جامعه جاهلی را تشکیل می‌داد، طراحی شده بودند. از منظر سیاسی، این پرسش‌ها با تردیدافکنی در توانایی‌های وجودی خدایان دروغین و حاکمان زمینی (در خلق و رزق)، مشروعیت سیاسی آنان را نیز از میان می‌بردند. این

روش، ذهن مخاطب را از حالت انفعال خارج کرده، او را به یک کنشگر فکری تبدیل می‌کرد.

● **اثبات عقلانی معاد و لزوم پاسخ‌گویی:** انکار معاد یکی از ستون‌های فکری اشرافیت مکه بود؛ زیرا جهانی بدون حساب‌رسی به آنها اجازه هرگونه ظلمی را می‌داد. قرآن با استدلال‌های عقلانی مانند «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ لَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ * بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (قیامت، ۳-۴)، قدرت خداوند بر خلقت اولیه را دلیلی بر توانایی او برای حیات دوباره می‌آورد. این استدلال، منکران معاد را که بیشتر وابستگان به ساختار قدرت قریش بودند، نه فقط از منظر دینی، بلکه از زاویه عقلانی نیز در موضع ضعف قرار می‌داد.

● **دعوت به تفکر در طبیعت:** آیاتی که انسان را به اندیشیدن در پدیده‌های اطراف خود فرا می‌خواند، مانند آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره غاشیه، ابزاری برای برانگیختن عقل تجربی^۱ و تقویت عقلانیت سیاسی^۲ در مواجهه با طبیعت بود تا به جای اتکا به سنت‌های خرافی، از طریق مشاهده و تعقل به حقیقت برسند. در مجموع ابزارهای معرفتی در سوره‌های مکی، بستری فکری و اعتقادی برای مراحل بعدی تربیت سیاسی (عاطفی و رفتاری) فراهم می‌کردند و گامی اساسی در جهت تخریب مبنای فکری سلطه جاهلی و ایجاد بینش توحیدی بودند.

۷. تحلیل مخاطب‌شناسی آیات مکی قرآن

الف) ابزارهای معرفتی: ابزارهای معرفتی به صورت هوشمندانه‌ای برای گروه‌های مختلف طراحی شده بودند. پیام ساده و رهایی‌بخش توحید، بیشترین جذابیت را برای طبقات مستضعف و بردگان داشت. در مقابل، احتجاج‌های عقلی و فلسفی، نخبگان فکری و بزرگان قریش را در بحث‌های عمومی به چالش می‌کشید و ناتوانی فکری آنان را آشکار می‌ساخت. این دسته از ابزارها برای ایجاد بینش توحیدی، نفی مشروعیت طاغوت و تقویت آگاهی سیاسی - اعتقادی به کار گرفته شده‌اند.

مضمون	آیه
نفی مشروعیت قدرت‌های چندگانه؛ بنیان اندیشه توحیدی سیاسی	«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص، ۱)
تحریک عقل برای تأمل؛ نقد باورهای جاهلی	«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ...» (طور، ۳۵)
مقاومت سیاسی علیه طاغوت؛ پیامدهای پیروی از فرعون	قصص انبیای الهی (اعراف، شعراء، هود)

ب) ابزارهای عاطفی (گرایشی): پس از تبیین معرفتی آموزه‌های توحیدی، پیامبر اکرم (ص) با بهره‌گیری از ابزارهای عاطفی، کوشید جان مؤمنان اولیه را برای پذیرش مخاطرات دعوت، آمادگی برای کنش و همراهی با پیام رسالت مهیا سازد. ابزارهای عاطفی در این راستا، به مثابه حلقه واسط میان آگاهی

1. Empirical Wisdom
2. Political Rationality

و عمل، نقشی تعیین‌کننده در تحریک احساس مسئولیت، تعلق جمعی و تعهد ایمانی ایفا می‌کنند.

۱. **وعده و وعید؛ نخستین ابزار عاطفی در سوره‌های مکی:** قرآن با تصویرسازی‌های زنده از بهشت و جهنم، مخاطب را میان دو قطب ترس و امید به حرکت در می‌آورد. در آیات سوره نبا (۳۱-۳۶) به مؤمنان باغ‌ها، تاکستان‌ها و رهایی وعده داده می‌شود؛ در حالی‌که در سوره معارج (۱۵-۱۸) کافران با آتشی «نَزَاعَةً لِّلشَّوٰی» تهدید می‌شوند.

این تقابل تصویری صرفاً برای بیان آخرت نیست؛ بلکه نقش آن، برانگیختن کنش سیاسی در اکنون مکی است. مؤمنان تحت فشار قریش، با شنیدن وعده‌های اخروی احساس استقامت می‌کنند و کافران با وعیدهای جهنمی در جایگاه دشمن گفتمان، معرفی می‌شوند.

نمونه‌های دیگری از آیات قرآن:

- **واقعه (۸-۴۱):** سه‌گانه اصحاب یمین، اصحاب شمال و سابقون، مرزبندی سیاسی - اجتماعی را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند.

- **حاقه (۱۹-۲۴):** شادی اصحاب یمین در دریافت نامه اعمال، الگویی از پاداش جمعی برای وفاداری سیاسی به پیامبر را می‌سازد.

- **دخان (۴۷-۵۰):** تهدید مستکبران با آب جوشان و تمسخر «العزیز الکریم» غرور اشراف قریش را در هم می‌شکند.

در نهایت این وعده و وعیدها تنها برای مهار فردی یا اخلاقی نبودند، بلکه موتور محرک شکل‌گیری امت مؤمن نیز بودند؛ جماعتی که با امید به تحقق عدالت اخروی و ترس از فروپاشی ابدی، حاضر به ترک منافع کوتاه‌مدت دنیوی و پیوستن به یک پروژه بلندمدت توحیدی می‌شدند. این ابزار عاطفی، به شکلی کارآمد با ابزار معرفتی قرآن هم‌افزایی داشت و زیرساخت‌های شکل‌گیری «هویت سیاسی دینی» را در جامعه نوپای اسلامی بنیان می‌نهاد.

۲. **تصویرسازی روز قیامت و فاجعه‌های آن:** یکی از تأثیرگذارترین ابزارهای عاطفی در گفتمان تربیت سیاسی قرآن مکی، بازنمایی تصویری از روز قیامت و فروپاشی جهان است. سوره‌هایی چون زلزله، قارعه، تکویر، انفطار، انشقاق و ... با بهره‌گیری از زبان بصری و تقویت تعقل، نه تنها مفاهیم آخرت‌باورانه را منتقل می‌کنند، بلکه احساس مسئولیت، ترس، بیداری و بصیرت و میل به عدالت را در ناخودآگاه مخاطب زنده می‌سازند. در این سوره‌ها، قیامت نه صرفاً رویدادی در آینده، بلکه چنان تجلی‌نهایی حقیقت و فروپاشی نظم‌های ناعادلانه دنیوی به تصویر کشیده می‌شود.

در سوره تکویر، این واقعه و رویداد حتمی چنین آغاز می‌شود: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ، وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ، وَإِذَا الْجِبَالُ سُوِّرَتْ...» (تکویر، ۱-۳). در این آیات، طبیعت عظیم و استوار، یکی پس از دیگری فرو می‌پاشد و این‌گونه پیام آشکاری به مخاطب داده می‌شود که هیچ قدرتی، حتی آسمان و زمین، ابدی و

غیرپاسخ‌گو نیست. در ادامه همین سوره، ناگهان تمرکز از عالم کیهانی به عالم انسانی معطوف می‌شود: «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر، ۹) که درباره عادت‌های رفتاری و تعصب‌های جاهلی است؛ تصویری که مخاطب را با فریادی اخلاقی در برابر ستم ساختاری عرب جاهلی قرار می‌دهد. این آمیختگی عظمت کیهانی با مظلومیت فردی، احساس همدردی، انزجار از ظلم و تعهد به عدالت را هم‌زمان تحریک می‌کند.

در سوره زلزله، مخاطب به طور مستقیم با بازخواست شخصی خود مواجه می‌شود: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» (زلزله، ۴-۵). زمین چونان شاهدی هوشمند، پرده از باطن انسان برمی‌دارد. این افشاگری نهایی به مخاطب هشدار می‌دهد که هیچ قدرتی قادر به پنهان کردن حقیقت نخواهد بود؛ مفهومی که در عمل نقدی ریشه‌ای بر ظلم و ستم مستقر در ساختارهای قدرت مکه است. همچنین در سوره انفطار، این روند با تعبیرهایی همچون «إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ» و «وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ» (انفطار، ۱-۴) ادامه می‌یابد تا مخاطب دریابد که فروپاشی ساختارهای بیرونی با برملاشدن باطن انسان‌ها همراه است. این پیام، دعوتی است به تطهیر درون، مقابله با نفاق و باور به عدالت مطلق الهی. در مجموع این سوره‌های کوتاه و موجز، با زبان تصویر و القای عاطفه، بستر یک تربیت سیاسی عمیق را فراهم می‌کنند. مخاطب خود را در جهانی می‌بیند که روزی دگرگون خواهد شد و فقط حق، عدل و صداقت باقی خواهد ماند. در چنین چشم‌اندازی، احساس عدالت‌خواهی، همدلی با مظلومان و تقابل با سلطه‌طلبی، به صورت درونی و وجدانی در او نهادینه می‌شود؛ بنابراین تصویر قیامت، نه صرفاً یک هشدار معنوی، بلکه فراخوانی است به کنشگری اخلاقی و سیاسی در جهان کنونی.

۳. خطاب‌های عاطفی به شخص پیامبر اکرم (ص) که از لحاظ تربیتی بر مخاطب اثر می‌گذارد. از برجسته‌ترین شیوه‌های برانگیختن احساسات مخاطب در سوره‌های مکی، خطاب مستقیم قرآن به پیامبر اکرم (ص) است؛ خطاب‌هایی که در ظاهر پیامبر گرامی اسلام را مورد خطاب قرار داده‌اند، اما در باطن، نوعی واکنش روانی و تربیتی برای مخاطب محسوب می‌شوند. آیات آغازین سوره‌هایی همچون مدثر، مزمل، ضحی، انشراح و قلم، لبریز از احساسات انسانی و عواطف رسالتی‌اند و زمینه‌ساز مشارکت احساسی و سیاسی مخاطب در واکنش نسبت به خطاب‌های قرآنی می‌گردند.

آیاتی چون «یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر، ۱-۲) نه تنها پیامبر گرامی (ص) را به حرکت فرا می‌خوانند، بلکه فضایی از فوریت، دغدغه و رسالت را منتقل می‌نمایند. مخاطب مؤمن خود را در میان این فضای احساسی می‌یابد و ناخودآگاه در نقش «یار دعوت» و «همدرد پیامبر» قرار می‌گیرد. این فرایند شکل‌گیری احساس مسئولیت سیاسی و تعلق به امت نوظهور را تسهیل می‌کند (سیدقطب، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۷۵۱).

در سوره مزمل نیز با عبارتی نرم‌تر، اما عمیق‌تر مواجهیم: «یا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا» (مزمل،

۲-۱). در اینجا خطاب به پیامبر، او را به شب زنده‌داری و آمادگی معنوی برای یک مبارزه طولانی دعوت می‌کند. اما این خطابِ خصوصی، در سطح اجتماعی، فرهنگ مجاهدت شبانه، صبر طولانی و تقویت درونی برای مقاومت سیاسی را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد. قرآن از این طریق، مخاطب را به مشارکت عاطفی در «سنگینی رسالت» فرا می‌خواند.

این خطاب‌ها به تدریج نوعی «همراهی سیاسی» در مخاطب ایجاد می‌کند. او خود را تنها مستمع نمی‌بیند، بلکه در مسیر دعوت، خود را مسئول و بخشی از امت در حال ظهور تلقی می‌کند؛ بدین‌سان احساسات عمیق دینی در خدمت اهداف بزرگ سیاسی و تمدنی قرار می‌گیرد؛ به بیان دیگر خطاب به پیامبر اکرم (ص) ابزاری است برای بیدار کردن وجدان جمعی و کشاندن دل‌ها به سوی عمل جمعی. در نهایت این آیات، پیام روشنی دارند: اگر پیامبر گرامی اسلام با این همه دشواری و مشغله، مأمور به قیام است، پس مخاطب نیز نمی‌تواند نظاره‌گر بماند. او باید برخیزد، همراهی کند و در بنای امت جدید، سهمی بگیرد. این‌گونه، خطاب‌های فردی به کنش‌های جمعی بدل می‌شوند و عاطفه به انگیزه‌ای برای حرکت سیاسی - اجتماعی تبدیل می‌شود. براینده کارگیری این ابزارها، آمادگی روانی مخاطب برای ورود به مرحله کنش سیاسی است. در جامعه‌ای که ریشه‌های عاطفی انسان در پیوندهای قبیله‌ای، اشرافیت و ثروت‌اندوزی و تعلق‌های خرافی تعریف می‌شد، پیامبر با پیوند زدن احساسات دینی با تعهد سیاسی، توانست افق جدیدی از تعلق ایمانی را بنا نهد؛ تعلق که مخاطب را به حرکت وا می‌داشت، نه صرف به باور تنها. این ابزارها با هدف برانگیختن احساس دینی، انگیزش ایمانی و هراس از عذاب الهی به کار رفته‌اند:

آیه	مضمون
«ان للمتقين مفازا...» (نبا، ۳۱)	تقویت امید به نجات مؤمنان؛ دعوت به مقاومت
«إنها لظی ... نزاعه للشوی» (معارج، ۱۵)	ترس از عذاب؛ انگیزش برای همراهی با حق
«یا ایها المدثر، قم فأنذر» (مدثر، ۱-۲)	دعوت فوری به مسئولیت اجتماعی؛ پیامبری آغاز یک جنبش است

ج) ابزارهای رفتاری (کنشی)

۱. مرحله نهایی از فرایند تربیت سیاسی، گذار از آگاهی (توحید باوری) و انگیزش (کنش عاطفی) به کنش عملی است. پیامبر اکرم (ص) در سوره‌های مکی، افزون بر اقناع ذهنی و تحریک عاطفی مخاطبان، آنان را به مشارکت عملی و اتخاذ مواضع مشخص در برابر نظم جاهلی فرا می‌خواند. ابزارهای رفتاری، عناصر عینی این مرحله‌اند که موجب مرزبندی اجتماعی، انسجام گروهی و آمادگی برای تحول سیاسی می‌شوند. برخی از این ابزارهای رفتاری به قرار زیر است:

۲. دعوت مستمر به صبر و استقامت در برابر فشارهای روانی و اجتماعی: در سوره‌های احقاف و هود، پیامبر اکرم (ص) خود محور اصلی صبر بودند و مؤمنان را نیز به بردباری و استقامت در برابر طعن و

تهدید مشرکان دعوت می‌کرد: «فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل» (احقاف، ۳۵). «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ...» (هود، ۱۱۲). این آموزه، نه تنها بعد اخلاقی دارد، بلکه راهبردی سیاسی برای حفظ انسجام هسته مؤمنان در دوران اقلیت و فشار است. صبر، ابزاری برای مقاومت مدنی در غیاب قدرت رسمی شمرده می‌شود.

قرآن کریم در آیه «فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف، ۳۵)، صبر را به مثابه راهبرد سیاسی معرفی می‌کند؛ صبوری که اگر انبیا تحمل کردند، مؤمنان دوران اقلیت نیز باید در برابر کارزار تبلیغی و تهدیدهای امنیتی مقاومت کنند. این دستور مستقیم، مقیاس فردی صبر را به پای‌بندی جمعی ارتقا داد و ضرورت استمرار ایستادگی را در سطح امت اعلان نمود (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج. ۲، ص. ۴۸).

در پرتو این آیات، صبر به عنوان جلوه‌ای از مقاومت مدنی نمود پیدا کرده است؛ ابزاری که توانسته است حتی در غیاب سلاح و اجبار قانونی، محور اجتماعی را از فروپاشی نجات دهد. وقتی گروه کوچک مؤمنان، زیر فشارهای روانی و انزوای اجتماعی، به صبر و وفاداری به همدیگر عادت کردند، در عمل شبکه‌ای از همیاری و پایداری شکل می‌گرفت که قدرتمندان قریش را در مهار این دعوت در مانده ساخت. بدین ترتیب ابزار رفتاری صبر و استقامت، نه فقط به منزله فضیلتی فردی، بلکه به عنوان راهبردی سیاسی برای حفظ انسجام هسته مؤمنان، زیربنای مقاومت مشروع در دوران اقلیت فراهم آورد. این درس عملی، مقدمه هر تحول بزرگ اجتماعی است؛ زیرا هر جنبشی که به صبر در برابر فشار مجهز نباشد، دیر یا زود زیر سنگین‌ترین تحریم‌ها فرو می‌ریزد. در سوره نحل نیز به صبر و استقامت در برابر طعن و آزار مشرکان فرمان می‌دهد: «وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» (نحل، ۱۲۷). این آموزه رفتاری بر شکل‌گیری همبستگی درونی توده مؤمنان تأثیر می‌گذاشت؛ زیرا در جامعه‌ای که تک‌تک اعضا به تمرین بخشش و صبر مشغول باشند، هر حمله روانی یا تحریم اقتصادی، شکافی در بنیان اتحاد نمی‌اندازد و باعث ایجاد گسست در میان مردم نمی‌گردد.

۳. هجرت و مهاجرت هدفمند: هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه و سپس آماده‌سازی مسلمانان برای هجرت به یثرب، نه صرفاً اقدامی برای فرار از خطر، بلکه گامی آگاهانه برای ایجاد فضای سیاسی جدید و آغاز مرحله دولت‌سازی بود. قرآن با تأکید بر هجرت به عنوان یک وظیفه دینی، آن را در زمره معیارهای ایمان و وفاداری قرار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا... أَوْلَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال، ۷۲). هجرت، کنشی سیاسی بود که مرز میان ایمان فعال و ایمان خنثی را مشخص می‌ساخت.

در فرایند تربیت سیاسی نبوی، هجرت نه یک واکنش منفعلانه در برابر تهدید، بلکه کنشی هدفمند، حساب‌شده و آگاهانه برای عبور از محدودیت‌های محیط اختناق و آغاز مرحله‌ای نوین از کنشگری سیاسی بود. نخستین هجرت مسلمانان به حبشه- با وجود آنکه در آیات مکی مستقیم بدان اشاره نشده

است- در بستر همان آموزه‌هایی صورت گرفت که قرآن مکی با تأکید بر نفی سلطه، حفظ کرامت مؤمنان و تمایز راه مؤمنان از طاغوت‌ها مطرح می‌کرد. در سوره‌هایی چون عنکبوت، مؤمنان به صبر و هجرت فراخوانده می‌شوند: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ لَبَوَّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً...» (عنکبوت، ۵۸). در اینجا هجرت نه صرفاً ترک وطن، بلکه اقدامی برای پاسداری از دین و مشارکت در ساخت نظم جدیدی بر پایه ایمان تعریف می‌شود. چنین هجرتی، مؤمن را از تعلقات طایفه‌ای و نژادی رها می‌سازد و او را در مسیر تحقق جامعه‌ای بر مبنای توحید قرار می‌دهد. بنابراین در فضای اجتماعی مکه که تعلقات قبیله‌ای مانع کنش سیاسی مؤمنان می‌شد، قرآن با نهادینه‌سازی هجرت، در عمل بنیان‌گذار هویتی جدید و فراملی برای مؤمنان شد. هجرت، نقطه‌ای است که در آن ایمان از مرحله‌ی درون‌گرایی به فاز مسئولیت اجتماعی و مشارکت سیاسی وارد می‌شود. این گام، زمینه‌ساز تحقق مدینه‌النبی به عنوان نخستین جامعه‌ی سیاسی توحیدی در تاریخ اسلام شد.

۴. مرزبندی اجتماعی و نهی از همکاری با دشمنان توحید: در آیاتی چون «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲)، پیامبر اکرم (ص) مأمور می‌شود که با مشرکان نه‌تنها ستیز فکری، بلکه تقابل عملی و اجتماعی داشته باشد. این‌گونه آیات، مؤمنان را از هرگونه تبعیت، مشارکت یا نرمش در برابر سلطه‌ی جاهلی بر حذر می‌دارند. در نتیجه یک «امت در حال شکل‌گیری» به تدریج از نظر کنشی از جامعه‌ی مشرک جدا شده و هویت سیاسی مستقلی می‌یابد.

در فضای اجتماعی و سیاسی مکه که بر اساس ساختارهای قبیله‌ای، روابط خویشاوندی و پیوندهای اقتصادی استوار بود، جداسدن از نظم جاهلی و شکل‌گیری یک هویت مستقل دینی، اقدامی پرهزینه و دور از ذهن شمرده می‌شد. قرآن مکی با آیات فراوان، مؤمنان را به گسست تدریجی از فرهنگ، ساختار و مرجعیت مشرکان فرا می‌خواند. این مرزبندی در بستر احکام قرآنی، تنها یک پرهیز اخلاقی نبود، بلکه راهبردی عملی برای قطع هرگونه وابستگی سیاسی، اقتصادی و مناسک فرهنگی با مشرکان به شمار می‌رود. قرآن در آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲)، حکمی دوگانه به پیامبر می‌دهد که از پیروی کافران خودداری کن و در برابرشان با این دعوت، جهاد عظیم داشته باش. این آیه مرزبندی را به سطح کنش جمعی ارتقا می‌دهد و هر نوع همراهی یا نرمش اجتماعی را نه‌تنها مذموم، بلکه معارض با رسالت انقلابی توحید معرفی می‌کند. به پیامبر اکرم (ص) خطاب صریح می‌دهد که نه‌تنها از اطاعت مشرکان و مصالحه با آنان پرهیز کند، بلکه با استفاده از قرآن (ابزار معرفتی و فرهنگی)، جهادی بزرگ و پیوسته علیه نظام فکری حاکم سامان دهد. در واقع این آیه جهاد اجتماعی - فکری را در بستر مکه، جایگزین رویارویی نظامی کرده، مرز سیاسی روشنی با سلطه‌گران ترسیم می‌کند. همین رویکرد در سوره‌های دیگری همچون سوره کافرون آشکارتر می‌شود. در آنجا پیامبر اسلام (ص) مأمور می‌شود اعلام کند: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون، ۶). این جمله، نه صرفاً بیان تفاوت اعتقادی، بلکه اعلان قطع رابطه

سیاسی و اجتماعی با نظام شرک آلود است. در سوره مدثر نیز تأکید می‌شود: «وَرُجَزَ فَأَهْجُرْ» (مدثر، ۵) که به صورت نمادین به پیامبر فرمان داده می‌شود از هرگونه آلودگی - اعم از شرک، تبعیت سیاسی یا مشروعیت‌بخشی به نظام فاسد - کناره‌گیری کند. علامه طباطبایی نیز این مطلب را به دوری از هر آنچه موجب ناخوشنودی خداوند است، آورده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج. ۲۰، ص. ۱۲۷). چنین آیات و فرمان‌هایی، به مرور زمان، موجب شکل‌گیری یک امت مستقل و متفاوت از جامعه قریش شدند؛ امتی که دیگر نه بر پایه نسب و خون، بلکه بر مبنای ایمان، تقوا و وفاداری به پیام الهی شکل گرفت. همچنین در سوره انعام می‌فرماید: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ» (انعام، ۶۸)؛ وقتی کسانی را دیدی که آیات خدا را استهزا می‌کنند، از نشست با آنان کناره‌گیری بگیر. این دستور، نخستین گام در ایجاد «حریم عملی» بود: مؤمنان می‌آموختند که شرکت در مجالس بت‌پرستی یا مباحث خالی از وحی، خود نوعی تن‌دادن به مشروعیت نظام قبیله‌ای محسوب می‌شود و باید از آن فاصله گرفت. همچنین قرآن کریم در سوره قلم به صراحت می‌گوید: «وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ»؛ از هر ملامت‌کننده و بی‌آبرو اطاعت مکن. این فراخوان، مؤمن را وامی‌دارد نه تنها در مباحث نظری که در مناسبات روزمره نیز چشم از ترفندهای تضعیف‌کننده دشمن بردارد و اجازه ندهد حتی اقشار پرنفوذ قریش، ثمره اجتماعی دعوت را مخدوش سازند. در نتیجه مرزبندی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای رفتاری تربیت سیاسی نبوی (ص) در دوران مکی بود. این مرزبندی، نه از روی انزواطلبی، بلکه به منظور حفاظت از هویت نوپای امت و جلوگیری از انحلال آن در ساختار قدرت جاهلی طراحی شد. جامعه ایمانی در حال تکوین، از دل انشقاق‌های اعتقادی و اجتماعی سر بر می‌آورد و این فرایند به‌روشنی در سوره‌های مکی ریشه دارد؛ سوره‌هایی که به پیامبر و مؤمنان می‌آموزد، چگونه بدون برخورد نظامی، مقاومت سیاسی را با عدم تبعیت، عدم مشارکت و جهاد فرهنگی به پیش ببرند. در مجموع ابزارهای رفتاری در سوره‌های مکی، راهبردی‌ترین مؤلفه‌های تربیت سیاسی پیامبر بودند؛ زیرا از طریق آنها (ایمان و احساس به کنش سیاسی) و (جامعه پراکنده به امت یکپارچه و مقاوم) تبدیل می‌شد. این ابزارها، نمود عینی از سیاست نبوی در غیاب دولت نهادهای حاکمیت توحیدی بود.

این ابزارها برای تمرین کنش سیاسی، تقویت انسجام گروهی و ایجاد مرزبندی اجتماعی به‌کار گرفته شدند:

- دعوت به صبر و استقامت: مانند «فاصبر کما صبر أولوا العزم».

- هجرت و مهاجرت داخلی: تمهید هجرت به حبشه و سپس یثرب.

- مرزبندی ایمانی: مانند «ولا تطع الکافرین» یا «قد کانت لکم أسوة حسنة فی ابراهیم».

این ابزارها نقشی حیاتی در تثبیت رفتار جمعی، تقابل اجتماعی با طاغوت و آماده‌سازی برای تشکیل امت سیاسی در مدینه داشتند.

آیه	مضمون
«فاصبر كما صبر أولوا العزم» (احقاف، ۳۵)	آموزش ایستادگی به مؤمنان؛ مقاومت مدنی
«ولا تطع الكافرين» (فرقان، ۵۲)	مرزبندی اجتماعی - سیاسی؛ شکل‌گیری جبهه ایمان
آیات هجرت به حیشه (عنکبوت، ۵۶)	خروج هدفمند از ساختار سلطه؛ آمادگی برای دولت‌سازی در مدینه

۸. تحلیل نهایی

تحلیل ابزارهای تربیت سیاسی پیامبر اکرم (ص) در سوره‌های مکی نشان می‌دهد که این ابزارها نه مجموعه‌ای پراکنده، بلکه اجزای یک راهبرد هوشمندانه و مرحله‌ای برای ساختن یک «امت سیاسی» از دل یک جامعه قبیله‌ای و در شرایط فقدان قدرت سخت بوده‌اند. این فرایند را می‌توان در قالب «مدل فرایندی تربیت سیاسی نبوی» صورت‌بندی کرد که دارای سه مرحله متوالی و هم‌پوشان است:

- مرحله اول: شالوده‌شکنی گفتمانی (با ابزارهای معرفتی)

هدف: تخریب پایه‌های مشروعیت فکری، سیاسی و اقتصادی نظام جاهلی.

کلیدواژه‌ها: ترویج توحید به عنوان یک «ضد گفتمان» که حاکمیت انحصاری خدا را جایگزین مراکز متعدد قدرت می‌کرد. استفاده از احتجاج‌های عقلی برای شکستن تقدس «سنت نیاکان» و فعال‌سازی خرد فردی.

نتیجه: ایجاد تردید در مبانی نظام موجود و آماده‌سازی ذهن‌ها برای پذیرش یک آلترناتیو.

- مرحله دوم: بسیج عاطفی و ساخت هویت (با ابزارهای عاطفی)

هدف: تبدیل آگاهی فردی به تعهد و انگیزه جمعی.

ابزار کلیدی: وعده و وعید برای ایجاد امید به آینده‌ای عادلانه و ترس از عواقب همراهی با ظلم. تصویرسازی قیامت برای تأکید بر پاسخ‌گویی و بی‌اعتباری قدرت‌های دنیوی. خطاب‌های عاطفی به پیامبر اکرم (ص) برای ایجاد حس همبستگی و مسئولیت مشترک در میان مؤمنان. **نتیجه:** شکل‌گیری یک هویت جمعی مقاوم مبتنی بر ایمان و عاطفه مشترک که افراد را برای تحمل هزینه‌های کنشگری آماده می‌ساخت. این مرحله، اوج به‌کارگیری قدرت نرم است.

- مرحله سوم: کنش‌گری راهبردی (با ابزارهای رفتاری)

هدف: تبدیل هویت و انگیزه جمعی به اقدامات عملی، منسجم و هدفمند.

ابزار کلیدی: صبر به عنوان راهبرد «مقاومت مدنی» برای حفظ انسجام در برابر فشار. مرزبندی اجتماعی («وَلَا تَطْعُ الْكَافِرِينَ») برای جلوگیری از انحلال در جامعه جاهلی و تثبیت هویت مستقل امت منسجم اسلامی.

هجرت به عنوان یک «کنش سیاسی استراتژیک» برای خروج از بن‌بست و آماده‌سازی برای تأسیس دولت.

نتیجه: تبدیل یک جنبش اجتماعی به یک پیش‌دولت^۱ منسجم، مقاوم و آماده برای ورود به مرحله تأسیس حاکمیت سیاسی^۲ در مدینه.

۹. نتیجه‌گیری

این پژوهش صرفاً یک تحلیل تاریخی نیست، بلکه الگویی قابل تأمل برای جهان امروز ارائه می‌دهد. در این پژوهش، به تحلیل ابزارهای تربیت سیاسی پیامبر اکرم(ص) در سوره‌های مکی با رویکرد تفسیر تنزیلی اختصاص یافته است. بر اساس این محتوا، پیامبر اسلام در دوران مکی، با بهره‌گیری از ابزارهای تربیتی متنوعی، انسان‌هایی مسئول، آگاه و متخلق به اخلاق و ارزش‌های والای اسلامی تربیت می‌کرد. این ابزارها بر مبنای اصول تربیت اخلاقی، اجتماعی و سیاسی استوار بودند و نقش مهمی در شکل‌دهی شخصیت فردی و اجتماعی افراد آن زمان داشتند. در این تحلیل، نقش پیامبر اکرم(ص) به عنوان مربی و تربیت‌کننده در قالب ابزارهای خاصی تبیین شده است. هر ابزار با توجه به شرایط جامعه و نیازهای تربیتی، در مسیر انتقال ارزش‌ها و اصول اخلاقی و سیاسی مؤثر واقع شده مسئولیت‌پذیری از جمله این ابزارها هستند که در قالب فضای مکی، به شکل مؤثری در فرایند تربیت سیاسی ایفای نقش کرده‌اند. افزون بر این، بر اهمیت نقش الگوی عملی پیامبر در تعلیم و تربیت افراد، به عنوان یکی از ابزارهای مهم تربیتی بسیار تأکید شده است. رفتار و گفتار پیامبر، به عنوان نمونه‌ای زنده از ارزش‌های اسلامی، موجب تشویق و ترغیب افراد به رعایت اصول اخلاقی و سیاسی در سطح فردی و اجتماعی شده است. بر پایه این تفسیر، تربیت سیاسی در بستر سوره‌های مکی، بر مبنای اصول اخلاق، توکل، مسئولیت‌پذیری و استقامت استوار بوده است. این مطالعه نشان می‌دهد ابزارهای تربیتی پیامبر اسلام(ص) در دوره مکی، بر اساس فطرت انسانی و آموزه‌های قرآنی، نقش بنیادین در شکل‌دهی آرام و مؤثر شخصیت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی افراد داشته است. این ابزارها مبتنی بر اصول تربیت اخلاقی، تربیت فردی و فراداسازی و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری بوده است. پیامبر با تکیه بر قرآن و الگوهای عملی، توانسته است انسان‌های مسئول و پایبند به ارزش‌های دینی و اخلاقی تربیت کند که امروزه نیز می‌تواند الگوی مفیدی در آموزش و تربیت سیاسی باشد. گفتنی است این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبرو بوده است؛ از جمله دشواری تعیین دقیق ترتیب نزول آیات در برخی موارد، نبود منابع تاریخی مستقیم برای تطبیق جزئیات سوره‌ها با رخداد‌های مکی و همچنین کمبود نظریه‌های بومی شده در زمینه تربیت سیاسی اسلامی.

1. Proto-State

2. Political Sovereignty

منابع

قرآن کریم.

- جعفریان، ر. (۱۳۸۶). *تاریخ سیاسی اسلام (سیره سیاسی رسول خدا)*. تهران: انتشارات دلیل ما.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء.
- خاوری، م. (۱۴۰۴). *تربیت اجتماعی در قرآن*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- خزاعی گسک، م.؛ مجیدی، ح. و مصلاهی پوریزدی، ع. (۱۴۰۱). *مبانی و اصول تربیت سیاسی زمامداران در قرآن کریم*. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۵(۲)، صص. ۳۴۸-۳۱۵.
- رادمنش، س. م. (۱۳۶۲). *تربیت سیاسی در اسلام*. تهران: انتشارات بنیاد علوم اسلامی.
- رضایی اصفهانی، م. ع. و جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*. (ج. ۲۴). قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- شهیدی، س. ج. (۱۳۷۸). *تاریخ تحلیلی اسلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قطب، سید (۱۳۸۷). *فی ظلال القرآن*. س. ا. خرم‌دل (مترجم). (ج. ۶). تهران: دارالفکر.
- طباطبایی، م. ح. و موسوی، م. ب. (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. (مترجم: س. م. ب. موسوی همدانی). (ج. ۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

References

The Holy Quran.

- Jafarian, R. (2007). *Political history of Islam: The prophetic conduct (Sirah) of the Messenger of God*. Tehran: Dalil-e Ma Publications. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2019). *Thematic interpretation of the Quran: Iran*. Qom: Esra International Publishing Center. [In Persian]
- Khavari, M. (2025). *Social education in the Quran*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]
- Khazaei Gasak, M., Majidi, H., & Mosallae Pouryazdi, A. (2022). Foundations and principles of political education of rulers in the Holy Quran. *Quran and Hadith Studies*, 15(2), pp. 315-348. [In Persian]
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy*. Verso.
- Nye, J. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. Public Affairs.
- Radmanesh, S. M. (1983). *Political education in Islam*. Tehran: Islamic Sciences Foundation Publications. [In Persian]
- Rezaei Isfahani, M. A., & a group of researchers. (2008). *Tafsir-i Qur'an-i Mihr* (Vols. 1-24). Qom: Interpretive and Quranic Sciences Research. [In Persian]
- Sayyid Qutb. (2008). *Fi Zilal al-Quran* (S. A. Khorramdel, Trans.; Vol. 6). Tehran: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Shahidi, S. J. (1999). *Analytical history of Islam*. Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Tabatabai, M. H., & Musavi, M. B. (1999). *Tafsir al-Mizān* (S. M. B. Musavi Hamedani, Trans.; Vols. 1-20). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Tilly, C. (2004). *Social movements, 1768–2004*. Paradigm.